

درس پنجم: زندگی بر اساس اندیشه

** درس در یک نگاه **

مفاهیم	توضیحات
علت جذب جوانان به سقراط	بخاطر اخلاق و منش جذابش و رفتار متواضعانه و همراه با احترام او .
شیوه اعدام سقراط	زندگی سرشار از فضیلتش با نوشیدن جام شوکران به پایان رسید.
تأثیرات سوء سوفسطائیان بر جامعه آتن	جامعه آتن متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیتها ندارد. آنان با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می‌پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند تحت تأثیر چنین اندیشه‌هایی، اخلاق و فضیلت میان مردم کم‌رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند. در چنین شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می‌گرفت و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می‌شد
دلیل قیام سقراط	او برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.
راه پی بردن به عمق افکار فلسفی سقراط	سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ما از مطالعه و تأمل در زندگی اومی‌توانیم دفتر اندیشه‌های فلسفی‌اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی، بیشتر پی ببریم.
روش سقراتی	سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی‌گزید و درباره اش پرسش می‌کرد. مثلاً می‌پرسید «دوستی چیست؟» وقتی کسی داوطلب پاسخ می‌شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می‌کرد به طوری که پاسخ دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می‌آورد. این روش پرسش و پاسخ که سقراط به کار می‌گرفت، به تدریج به «روش سقراتی» شهرت یافت.
مقصود سقراط از گشت و گذار در شهر آتن	«از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می‌آید...»
رسالت سقراط از نظر خودش	من هیچگاه از بیدار ساختن و سرزنش شما و پند دادن به شما باز نمی‌ایستم. شما همه جا مرا در کنار خود می‌یابید من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن سکوت کنم. من هم با تهیدستان و هم با توانگران همنشینم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رؤیایها برعهده من نهاده است
جرم سقراط از نظر ملتوس	جرم این است که خدایان ما را انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید! با افکار خود جوانان را گمراه می‌سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی‌گرداند.
ویژگی دفاعیه سقراط	دفاعیه او بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی فلسفی اش را در بر داشت.
افترا به سقراط	افترايي که به من زدند این بود: سقراط رفتاری خلاف دین ما آنتیان در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد. باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می‌آموزد.
علت دانا پنداشتن سقراط	سقراط گفت: کاوش من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می‌کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرادانا بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم. فقط شاید به این دلیل که هر بار نادانی کسی را آشکار می‌کنم، حاضران مجلس گمان می‌کنند که آنچه را آنها نمی‌دانند، من می‌دانم؛ حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست.
الهام سروش معبد دلفی و راز آن	داناترین مردم سقراط است. راز پیام این بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم. و نام سقراط را به عنوان مثال طرح کرد تا بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.
پاسخ سقراط به اتهام انکار خدایان	آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می‌شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟» ملتوس گفت: «نه، چنین کسی پیدا نمی‌شود.» سقراط گفت: «سپاسگزارم، ...»
ماموریت خدایی سقراط	خداوند مرا مامور ساخت تا در جستجوی دین بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم.
نظر سقراط درباره مرگ	گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی از مرگ تندتر می‌دود من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مدعیان من با همه چالاکي در چنگال بدی گرفتار آمدند. اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر همه درگذشتگان در آنجا گردآمده‌اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده‌اند، رهایی یابد و با داوران دادگران جهان روبه‌رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم باره‌بامه‌کام مرگ روانه شوم.